

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی
۲۵ نومبر ۲۰۱۶

روز بین‌المللی مبارزه برای محو خشونت علیه زنان!

۱

بیست و پنجم نومبر، مصادف با پنجم آذر ماه [قوس]، روز بین‌المللی مبارزه برای محو خشونت علیه زنان است و به‌همین مناسبات، هر ساله جهانیان از ۲۵ نومبر الی ۱۰ دسمبر، روز جهانی حقوق بشر - کمپین و کارزار ۱۶ روزه را راه‌اندازی می‌کنند. این روز منسوب به‌گرامی‌داشتن خاطرات سه دختر تبعه جمهوری دومینیکن است که توسط دیکتاتور رافایل تروئیلو قربانی شدند.

سه دختر خانواده میرابال، پاتریا، مینروا و ماریا ترزا در سال‌های ۱۹۲۴، ۱۹۲۷ و ۱۹۳۵ میلادی، در منطقه‌ای که امروز در جمهوری دومینیکن ایالت سی باس نامیده می‌شود، متولد شدند. هر سه تن آن‌ها تحصیلات متوسطه را به‌پایان رسانیده، مینروا و ماریا برای ادامه تحصیلات وارد دانشگاه شدند. هر سه خواهر و همسران‌شان درگیر مبارزه با حکومت دیکتاتوری «رافایل تروئیلو» - Rafael Trujillo (۱۹۳۰-۱۹۶۱) بودند، و با وجود پیگردها و زندانی‌شدن‌های مکرر باز هم دست از مبارزه خود نکشیدند و در فعالیت‌های سیاسی علیه حکومت فعالانه شرکت می‌کردند. در سال ۱۹۶۰، پاتریا رهبری جلسه‌ای را به‌عهده داشت که به‌تأسیس «نهضت مقاومت سری» منجر گردید. اوایل نومبر ۱۹۶۰، «تراجیلو» اعلام کرد که دو مشکل اساسی او کلیسا و خواهران میرابال هستند. روز ۲۵ نومبر، هنگامی که خواهران میرابال در مسیر رفتن به‌ملاقات همسران زندانی‌شان بودند، در یک «حادثه رانندگی» کشته شدند. این حادثه خشم و اعتراض عمومی را برانگیخت. قتل فجیع خواهران میرابال در واقع رویدادی شد که به‌نهضت عمومی ضد تراجیلو کمک کرد، چنان که پس از گذشت یک‌سال، دیکتاتوری تراجیلو سرنگون شد. خواهران میرابال که به «پروانه‌های فراموش ناشدنی» تشبیه شده بودند، سمبول مقاومت ملی زنان دومینیکن تبدیل شدند، آن‌چنان که در شعرها، آوازاها و کتاب‌ها تقدیر و تحسین شدند. شرح زندگی و مبارزات آن‌ها، الهام‌بخش تألیف رومانی به‌نام «در زمان پروان‌ها» توسط «جولیا آموا زر» منجر گردید که همه جهانیان از این واقعه آگاه شدند. این رومان مذکور، توصیف رنج‌ها و آلام خواهران میرابال در آخرین روزهای دیکتاتوری «تراجیلو» است.

در «اولین گردهم‌آیی زنان مبارز برای امریکای لاتین و جزایر بحیره کارائیب» که در بوگوئا، کلمبیا، در روزهای ۱۸ تا ۲۱ جولای ۱۹۸۱ تشکیل شد، روز ۲۵ نومبر به‌عنوان «روز جهانی محو خشونت علیه زنان» اعلان شد.

این کارزار طرح مسایل مربوط به زنان به ویژه خشونت و حقوق بشری زنان را از ۲۵ نومبر تا ۱۰ دسمبر، مورد توجه قرار می‌دهد. ۱۶ روز منکور، سالگرد چهار رخداد اجتماعی و تاریخی مهم را به شرح زیر در بردارد:

۲۵- نومبر، روز جهانی محو خشونت علیه زنان

۱- دسمبر، روز جهانی ایدز.

۶- دسمبر، کشتار مونتریال در سال ۱۹۸۶ میلادی (کشته شدن ۱۴ تن از محصلان انات انجنیری به جرم فیمینست بودن در صحن دانشگاه).

۱۰- دسمبر، روز جهانی حقوق بشر.

اگر چه در ابتداء، تنها ۲۳ زن به نمایندگی از ۲۰ کشور جهان آغاز کننده این حرکت بودند، اما با کوشش بی‌وقفه زنان، از طریق سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه در طول ده سال اخیر، نهضت یکپارچه و نیرومندی به وجود آمد که امروز در بسیاری از مناطق، کشورها و شهرهای دنیا ۱۶ کمپین محو خشونت علیه زنان را اعلام می‌نماید.

همچنین فشرده قطعنامه شماره ۵۴ جلسه ۱۳۴ مجمع عمومی ملل متحد در رابطه با تصویب روز جهانی محو خشونت علیه زنان:

مجمع عمومی ملل متحد به تاریخ ۱۷ دسمبر ۱۹۹۹ میلادی، در هشتاد و سومین جلسه عمومی دوره پنجاه و چهارم خود بر اساس گزارش «کمیته سوم اجرائی» و با توافق نمایندگان ۷۹ کشور عضو، روز ۲۵ نومبر را تحت عنوان «روز جهانی محو خشونت علیه زنان» طی قطعنامه شماره ۵۴ تصویب نمود. این قطعنامه بنا بر پیش‌نویسی که دو ماه قبل توسط نماینده دومینیک از سوی نمایندگان ۷۴ کشور به «کمیته سوم اجرائی» مجمع عمومی پیشنهاد شده بود، صادر شد. مجمع عمومی، تمامی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط را به سازماندهی فعالیت‌هایی گسترده در طرح مسأله خشونت علیه زنان در آن روز دعوت می‌نماید. پیش‌نویس خاطر نشان می‌کند که اعمال خشونت‌های مزمن علیه زنان فرصت‌هایی را که آنان برای به دست آوردن برابری‌های حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه دارند، نابود می‌کند. این پیش‌نویس، همچنان از مجمع می‌خواهد تا بر مفهوم عبارت «خشونت علیه زنان» به مسایل ذیل تأکید مجدد نماید:

- اعلامیه محو خشونت علیه زنان، قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی مؤرخ ۲۰ دسمبر ۱۹۹۳ میلادی، و قطعنامه ۵۲/۸۶ مجمع عمومی مؤرخ ۱۲ دسمبر ۱۹۹۷ میلادی.

- اعلامیه جهانی حقوق بشر.

- میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی.

- میثاق جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

- کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDW ۱۹۷۹) مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد دارای ۳۰ ماده است.

- کنوانسیون ضد شکنجه و دیگر تنبیهات و برخوردهای شقاوت بار، غیر انسانی و توهین آمیز و با توجه به:

- میثاق قاره‌ای منع، مجازات و ریشه کن کردن خشونت علیه زنان مصوب مجمع عمومی سازمان کشورهای قاره امریکا در بیست و چهارمین جلسه دورتهی آن، ۱۰-۶ جون ۱۹۹۴ (برزیل).

- نهمین توصیه‌های عمومی معطوف بر محو خشونت علیه زنان مصوب جلسه یازدهم «کمیته رفع تبعیض علیه زنان» در سال ۱۹۹۲ میلادی، و با در نظر داشت:

- «تدابیر آینده‌نگر نایروبی برای پیشرفت زنان» که خشونت علیه زنان را به‌عنوان مانعی برای دستیابی به برابری، توسعه و صلح ارزیابی می‌کند؛

- «برنامه عملی چهارمین کنفرانس جهانی زنان ۱۹۹۷ میلادی» که یکسری اقدامات یکپارچه معینی را برای پیش‌گیری و محو خشونت علیه زنان توصیه می‌کند.

- اجرای کامل «کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» و نیز با در نظر گرفتن این که برخی از گروه‌های زنان به‌صورت ویژه‌ای در برابر خشونت آسیب‌پذیر و بی‌دفاع می‌باشند، مانند زنانی که به‌گروه‌های اقلیت ملی، دینی یا نژادی تعلق دارند، زنان تنگ‌دست، زنان آواره یا مهاجر، زنان ساکن مناطق دور افتاده، زنان ساکن در زندان‌ها و یا مراکز بازپروری، دخترها، معلولین و زنانی که در شرایط جنگی یا نظامی زندگی دارند، و با پذیرش این‌که:

- خشونت علیه زنان تجلی تاریخی رابطه قدرت نابرابر میان زن و مرد بوده و منجر به سلطه مرد بر زن و اعمال تبعیض علیه زنان و ممانعت از پیشرفت آنان می‌گردد.

- خشونت علیه زنان یکی از اهرم‌های اجتماعی مهمی است که زنان را به اجبار در موقعیت زیردست مردان قرار می‌دهد.

- حقوق زنان و دختران، بخش غیرقابل انفکاک حقوق بشری است.

- حقوق بشری زنان و دختران لزوماً باید بیش‌تر ترویج و حمایت شود و با نگرانی از این‌که:

- زنان به‌طور کامل از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به‌رمنند نیستند.

- کم و کاست‌های دیرپائی که در حمایت از حقوق و آزادی‌های زنان وجود دارد.

و با قدردانی از:

- همکاری ایجاد شده در میان نهادهای مربوطه، افراد، بنیادها و ارگان‌های ملل متحد در کشورهای مختلف در مبارزه برای ریشه کن ساختن خشونت علیه زنان.

- تلاش‌های جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی در بالا بردن آگاهی عمومی و شعور اجتماعی برای درک اثرات منفی خشونت علیه زنان و با تأکید مجدد این‌که:

- بر اساس بند اول اعلامیه محو خشونت علیه زنان، عبارت «خشونت علیه زنان» به‌معنای «قابل شدن هرگونه خشونتی که نتیجه و یا پیامد احتمالی آن صدمه یا آزار فزینگی، جنسی یا روانی زنان را در بر می‌گیرد»، می‌باشد.

۱- مجمع عمومی ۱۷ دسمبر ۱۹۹۹ میلادی، تصمیم گرفت که ۲۵ نومبر به‌عنوان «روز جهانی محو خشونت علیه زنان» تعیین است.

۲- مجمع عمومی به نحوی مقتضی از دولت‌ها، مؤسسات مربوطه، گروه‌ها، بنیادها و برنامه‌های منظومه ملل متحد، دیگر سازمان‌های بین‌المللی و نیز سازمان‌های غیر دولتی دعوت کرد تا در این روز به‌سازماندهی فعالیت‌های گسترده‌ای برای بالا بردن آگاهی عمومی نسبت به‌موضوع خشونت علیه زنان بپردازند.

خشونت علیه زنان، یک مسأله جهانی است. یک زخم با سابقه، خونین، شرم‌آور، خشونت در جهان معاصر به‌شیوه‌های مختلف بر زنان اعمال می‌شود مانند: خشونت‌های خانوادگی، تجاوز، خرید و فروش زنان و دختران، تن‌فروشی اجباری، خشونت‌های ناشی از جنگ، بردگی، تجاوز جنسی، خشونت‌های سیاسی، اقتصادی و غیره.

زنان در خانواده‌های اکثریت جوامع امروزی، به‌بهبان‌های مختلف و به‌دلایل پوچ عدم رعایت ارزش‌های معنوی، به‌شدیدترین شکل تنبیه و تحقیر می‌شوند.

خشونت علیه زنان در همه جوامع امروزی، به‌ویژه در دنیای شرق، ریشه‌های عمیق‌تری دارد و مستلزم مبارزه همگانی است که بتواند ریشه و زمینه‌های آن را بخشکند و راه را برای از بین بردن هرگونه اعمال ضد انسانی و تبعیض جنسیتی، هموار سازد.

وضعیت زنان در ایران

سایت «خبرآنلاین» در گزارش روز دوشنبه ۱۸ مرداد [اسد] ۱۳۹۵ - ۵ اگست ۲۰۱۶، با ارائه آماری از وضع اشتغال زنان در بازار کار ایران و مقایسه آن با سایر کشورهای منطقه و جهان، به این نتیجه رسیده است که زنان ایران با وجود برخورداری از سطح آموزش و تحصیلات بالا، شانس بهتری نسبت به زنان در کشورهایمانند عراق و افغانستان ندارند. به عبارتی زنان ایران با وجود «رشد صعودی میزان تحصیلات» در بازار کار وضعی مناسب‌تر از کشورهای ندارند که درگیر جنگ و بحران هستند.

کارشناسان حوزه اجتماعی در ایران، با تکیه بر آمارهای رسمی، هشدار داده‌اند، سن تن‌فروشی دختران در ایران به ۱۶ سال و سن فرار از خانه به ۹ سال رسیده است. به گزارش روزنامه شرق، دکتر «احمد بخارائی» مدیر گروه مسائل و آسیب‌های اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی ایران در جلسه‌ای با موضوع کار جنسی زنان، در دانشکده علوم اجتماعی تهران گفت: براساس گزارش‌های سازمان بهزیستی، سن دختران تن‌فروش به ۱۶ سال رسیده و سن فرار از منزل دختران به ۹ سال کاهش پیدا کرده است و باید در نظر داشت که فرار نیز می‌تواند از عوامل تن‌فروشی محسوب شود. وی افزود: «در ایران مطابق آمار ثبت‌شده، چند هزار زن خودفروش وجود دارد و از میان آن‌ها ۱۲ درصد را زنان متأهل تشکیل می‌دهند. البته باید در نظر داشت این تنها بخشی از آمار است که ما به آن دسترسی داریم چرا که روسپیگری در کشور عملی مجرمانه است».

دکتر «حسین اسدیگی»، رئیس اورژانس اجتماعی بهزیستی نیز به نقل از دکتر «مینو محرز» متخصص بیماری‌های عفونی، عضو کمیته ایدز ایران و عضو شورای برنامه‌ریزی یونسکو در زمینه آموزش سلامت گفت: «۵۰ هزار زن خیابانی داریم که از هر ۱۴ نفر آن‌ها، دو نفر مبتلا به اچ‌آی‌وی هستند».

پیش از این و در گزارشی که با استناد به‌نامه‌ای از وزارت آموزش و پرورش از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران منتشر شده، اعلام شده بود: نتایج تحقیق بر ۱۴۱ هزار و ۵۵۵ دانش آموز دختر و پسر دوره متوسطه در یک سال تحصیلی نشان می‌دهد، ۱۰۵ هزار و ۴۶ نفر دانش آموز یعنی ۷۴/۳ درصد این دانش‌آموزان دارای رابطه «غیر مجاز با جنس مخالف» بوده‌اند.

سایت «عصر ایران» نیز از حسین علی زاهدی‌پور کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و عضو کارگروه «کارگروه زنان و دختران آسیب دیده و در معرض آسیب»، نقل کرده بود: «۱۱ درصد روسپیان شهر تهران با اطلاع همسران‌شان دست به روسپیگری می‌زنند. این آمار نشان می‌دهد که نه تنها به مسأله بیکاری زنان، بلکه به بیکاری مردان و پیامدهای آن نیز باید توجه بیشتری شود».

آمار تجاوز به زنان و دختران در ایران تا سال ۱۳۹۴

آمار تجاوز به زنان و دختران در ایران تا سال ۱۳۹۴، آخرین آمار اعلام شده از قوه قضائیه از میزان جرم‌ها به‌خصوص جرم تجاوز به‌عنف. آمار جرم‌های کیفری و همچنین خودکشی و تجاوز به‌عنف توسط قوه قضائیه اعلام شد

که این آمار که تا سال ۱۹۹۳ ثبت شده است از افزایش شدید تجاوز به زنان و دختران در چند سال اخیر در ایران خبر می‌دهد.

نماینده معاونت راهبردی قوه قضائیه حکومت اسلامی ایران، با بیان این‌که براساس آمار پزشکی قانونی دو هزار و ۳۰۰ مورد قتل عمد در سال ۹۳ در کشور اتفاق افتاده است، در خصوص مزاحمت زنان و دختران گفت: براساس آمار ناجا افزایش ۹۸ درصدی مزاحمت زنان و دختران در سال گذشته را شاهد بودیم. قنبرنژاد، در نخستین جلسه کمیته پیش‌گیری از خشونت که در معاونت اجتماعی و پیشگیری از قوه جرم قوه قضائیه و با حضور محمدباقر الفت معاون پیش‌گیری از قوه جرم قوه قضائیه و دیگر مسئولان قضائی برگزار شد، این مطلب را اعلام کرد.

او با بیان این‌که ضرب و جرح، توهین، تهدید و تخریب جزو ۱۰ اتهام نخست کشور در ۵ سال اخیر است، گفت: براساس معاینات پزشکی قانونی استان‌های چهارمحال بختیاری، اردبیل و کهگیلویه و بویراحمد به‌لحاظ جمعیتی در حوزه نزاع بیش‌ترین آمار و استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و خراسان جنوبی کمترین نزاع را در کشور را در سال ۹۳ داشته‌اند.

به‌گفته او، براساس آمار پزشکی قانونی دو هزار و ۳۰۰ مورد قتل عمد در سال ۹۳ اتفاق افتاد که استان‌های سیستان و بلوچستان، ایلام و کرمان به‌نسبت جمعیت خود بیش‌ترین قتل عمد در سال گذشته را به‌خود اختصاص داده‌اند. نماینده معاونت راهبردی قوه قضائیه از افزایش ناگهانی تجاوز به‌عنف از سال ۸۹ خبر داد و گفت: در سال ۹۳ حدود یک هزار و ۳۱۳ مورد تجاوز به‌عنف گزارش شده است که این آمار اگرچه در مقایسه با سال ۹۲ کاهش ۳۰ فقره‌ای را نشان می‌دهد اما در مجموع از سال ۸۹، تجاوز به‌عنف یک افزایش ناگهانی ۲۰۰ تا ۳۰۰ موردی داشته و همان رقم تقریباً ثابت است.

قنبرنژاد با بیان این‌که میزان مزاحمت زنان و دختران در سال ۸۹، حدود ۷۲ هزار مورد بوده است، گفت: براساس آمار نیروی انتظامی مزاحمت زنان و دختران در سال ۹۳ به ۱۴۲ هزار و ۹۳۳ مورد رسید که افزایش ۹۸ درصدی داشته است.

خودکشی زنان در ایران

آمار خودکشی در ایران و در میان کشورهای دنیا، رتبه چهارم و هشتم و آمار خودکشی زنان در خاورمیانه رتبه اول را دارد. پیشینه خودسوزی به‌عنوان پدیده‌ای در جامعه دلایل خاص خود را داشته است اما در حال حاضر افزایش پیدا کرده است. طبق آمارهای دولتی روزانه ۱۱ نفر دست به‌خودکشی می‌زنند. در ۹ ماه اول سال ۱۳۹۲، روزانه ۱۱۱ نفر اقدام به‌خودکشی کرده‌اند.

بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی سازمان پزشکان قانونی، در سال ۹۲، تعداد ۳۱۲۵ نفر خودکشی کرده‌اند که در میان آنان ۹۸۲ نفر زن و بقیه مرد بوده‌اند.

دلایل و عوامل خودکشی مخصوصاً در میان زنان، علاوه بر سرکوب سیستماتیک زنان توسط حکومت اسلامی و شیوع بی‌سابقه مردسالاری در سه دهه اخیر، بسیار متنوع است: اکثراً مربوط به اختلافات زناشویی، عشق، تمایلات شدید عاطفی و علل ناموسی، ناراحتی‌های روانی، مشکلات ناشی از تحصیلات، استرس در کنکور دانشگاهی، نقص جسمانی و احساس پوچی و بی‌هدفی، فقر، تنگدستی، بیکاری، اخراج از کار، شرایط نامساعد اقتصادی و مسایل مذهبی، برملاشدن اسرار و حقایق خصوصی در زندگی افراد را می‌شود نام برد.

هرکدام از این دلایل را اگر ریشه‌یابی کنیم بر می‌گردد به نقش مذهب و ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکمیت بر جامعه که ناعدالتی و نابرابری حقوقی زنان در قوانین اسلامی را به‌همراه خود دارد. زمانی که اسلام حقوق زن را به‌عنوان نصف انسان به‌حساب می‌آورد و به‌ارزش‌های والای انسانی اعتقاد ندارد چگونه می‌توان از چنین ساختاری انتظار بهبود وضعیت زندگی زنان و حتی کاهش پدیده خودکشی را داشت. طبق بررسی‌های که انجام شده هم اکنون در ایران خودسوزی یکی از شایع‌ترین روش‌های خودکشی زنان در ایران است.

خشونت خانگی در جنوب تهران

روزنامه «شهروند» در ایران، با ۲۰۰ زن متاهل در چهار نقطه شمال، جنوب، شرق و غرب تهران درباره زندگی و تجربه خشونت مصاحبه کرده است. بر اساس این مصاحبه‌ها ۵۲/۵ درصد از این زنان گفته‌اند که از ابتدای زندگی مشترک مورد خشونت روانی قرار گرفته و ۳۷ درصد آن‌ها خشونت فیزیکی را تجربه کرده‌اند. در این مصاحبه خشونت روانی مانند استفاده از کلمات رکیک، فریاد و بداخلاقی، قهر و خودداری از ادامه بحث، تحقیر و بی‌احترامی، منت نهادن، محکم کوبیدن در و شکستن اشیاء، از بین بردن وسایل و یادگاری‌ها مانند عکس، نامه و مدارک یا از بین بردن مدارک شخصی و مورد نیاز زن مانند شناسنامه به‌عنوان نمونه‌هایی از رفتارهای خشنی که این زنان تجربه کرده‌اند معرفی شده است.

خشونت فیزیکی هم شامل مواردی چون مشت زدن، گاز گرفتن، سیلی زدن، هل‌دادن، کشیدن مو و زدن در حد شکستن اعضای بدن یا دندان و سقط جنین بوده است.

بر اساس بررسی‌های این روزنامه، هر دو نوع خشونت در مناطق جنوبی تهران بیش‌تر از مناطق دیگر است. همچنین زنان متاهل در غرب تهران نسبت به سه منطقه دیگر کمتر مورد خشونت خانگی قرار گرفته‌اند.

این گزارش، همچنین می‌گوید زنانی که با خانواده همسر زندگی می‌کنند، نسبت به زنانی که به صورت مستقل زندگی می‌کنند، خشونت روانی را بیش‌تر و خشونت فیزیکی را کمتر تجربه کرده‌اند.

همچنین زنانی که ازدواج خویشاوندی داشته‌اند، بیش‌تر از کسانی که ازدواج غیرخویشاوندی داشتند هر دو نوع خشونت را تجربه کرده‌اند.

این گزارش نشان داده که در مجموع در خانواده‌هایی که با اقوام همسر زندگی می‌کنند و تعداد فرزندان بیش‌تر و نیز ازدواج آنان از نوع خویشاوندی است، خشونت روح بیش‌تری دارد؛ چرا که در این نوع خانواده‌ها دخالت دیگر افراد در زندگی بیش‌تر است و این افزایش دخالت‌ها و تصمیم‌گیری دیگران در زندگی زناشویی سبب افزایش خشونت به‌ویژه خشونت روانی می‌شود.

بر اساس تحقیقی که سال ۱۳۹۳ در شهر تهران انجام شد، مشخص شد از ۱۸۰ مورد شکایت زنان علیه خشونت‌های خانگی، ۱۲۸ مورد آن‌ها به دلیل وابستگی به همسر و فرزندان و ترس از طلاق حاضر نشدند این موضوع مورد پیگرد قانونی قرار گیرد.

زنان افغان ۸۷ درصد خشونت‌های جنسی و فیزیکی را تجربه می‌کنند!

وزارت امور زنان افغانستان، به‌تازگی در بیانیه‌ای اعلام کرده است که زنان این کشور دو برابر زنان در جهان مورد خشونت فیزیکی و جنسی را تجربه می‌کنند. به‌گزارش خبرگزاری بخدی افغانستان، وزارت امور زنان در این کشور اعلام کرده است که زنان افغان ۸۷ درصد خشونت‌های جنسی و فیزیکی را تجربه می‌کنند. در بیانیه‌ای که از سوی این وزارت منتشر شده آمده است که در جهان از هر سه زن یکی آن خشونت‌های فیزیکی یا جنسی را در زندگی‌اش تجربه می‌کند یعنی تنها ۳۳ درصد را تشکیل می‌دهد. در افغانستان اما این آمار به ۸۷ درصد میان زنان می‌رسد که خشونت‌های فیزیکی و جنسی را تجربه می‌کنند. این در حالی‌ست که اخیراً مجلس نمایندگان افغانستان قانون منع آزار و اذیت زنان و کودکان را تصویب کرده است. هدف از این قانون جلوگیری از خشونت، آزار و اذیت زنان و کودکان در کشور خوانده شده است. بر اساس این طرح، پس از این کسانی که در جاده‌ها به‌زنان و دختران خشونت زبانی انجام دهند نیز با برخورد پولیس، نهادهای قضائی و جریمه نقدی ۵ تا ۱۰ هزار افغانی مواجه خواهند شد. روز یکشنبه ۳۰ عقرب، در یک تجمع دولتی در افغانستان، موضوع بی‌سوادی و به ویژه بی‌سوادی زنان و راه‌های مبارزه با آن مطرح شد. در این تجمع، اسدالله حنیف بلخی، وزیر آموزش و پرورش افغانستان اعلام کرد که ۶۰ درصد جمعیت این کشور همچنان بی‌سوادی است. وزیر آموزش و پرورش افغانستان در این تجمع گفت که از این ۶۰ درصد بی‌سوادی، ۸۰ درصد زنان هستند.



زرقا یفتلی، مدیر سازمان حمایت از قوانین اطفال و زنان در افغانستان، دلیل بی‌سوادی باقی‌ماندن تعداد زیادی از زنان افغانستان را در رسوم و عادت‌های محلی و بومی می‌داند که بازدارنده آموزش زنان و دختران هستند. او می‌گوید تا زمانی که مردان بی‌سوادی افغانستان آموزش نیینند، دسترسی به زنان زیر سلطه آنان ناممکن است.

ادامه دارد